

ضمیمه دومهنامه امان - شماره ۸۸  
ویژه نیمه شعبان  
دی و بهمن ماه ۱۴۰۳  
ویژه امام زمان برترت



سردبیر: حجت الاسلام محمدرضا نصوری  
دبیر علمی: حجت الاسلام تقی حاتمی  
صفحه آرایی: زهره رجبی شیزری  
برداشتی از کتاب فرهنگ نامه مهدویت  
حجت الاسلام خدامراد سلیمیان



## مردم این سرزمین همه شترتند

کاری از بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

## شب و روز خجسته

### نیمه شعبان

#### شب ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نکرده و خداوند با علم خود بر آن ها آگاه است.<sup>۱</sup> بنابراین شایسته است افزون بر برپایی جشن و سرور در شب با عظمت نیمه شعبان، از بزرگی و عظمت آن شب غافل نشده، اعمال عبادی را به دقت انجام دهیم.

بر اساس روایت های بسیاری که از شیعه و برخی اهل سنت نقل شده، میلاد خجسته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در شب نیمه شعبان ۲۵۵ ق واقع و باعث کامل شدن فضیلت این شب مبارک شده است.<sup>۲</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۴۷۸، ح ۹۹۰۳.
۲. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۸۵، ح ۵.
۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۲۴.

#### قرائت زیارت آل یاسین

جهت قرائت زیارت به نیت سلامتی و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کد روبرو را اسکن و باروی آن کلیک کنید



نیمه شعبان اگرچه شرافتش را و امدار مولود خجسته ای است که در این روز زمین را با قدم خویشتن متبرک ساخته است، در تقویم عبادی اهل ایمان، نیز از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار است. در روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، فضیلت های بسیاری برای عبادت و راز و نیاز در شب و روز خجسته نیمه شعبان بر شمرده شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر کس شب عید و شب نیمه شعبان را با عبادت زنده بدارد، روزی که قلب ها همه بمیرند، قلب او نخواهد مرد.<sup>۱</sup>

از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده است که پدر بزرگوارش در پاسخ کسی که از فضیلت شب نیمه شعبان پرسیده بود فرمود:

این شب، برترین شب ها پس از شب قدر است. خداوند در این شب، فضلش را بر بندگان جاری می سازد و از منت خویش، گناهان آنان را می بخشد. پس بکوشید در این شب به خداوند نزدیک شوید. همانا این شب، شبی است که خداوند به وجود خود سوگند خورده است که در آن، درخواست کننده ای را تا آن گاه که درخواست گناه نداشته باشد، از درگاه خود نراند. این شب، شبی است که خداوند آن را برای ما خاندان قرار داده است؛ همچنان که شب قدر را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

قرار داده است؛ پس بر دعا و ثنای خداوند تعالی بکوشید، که هر کس در این شب صد بار او را تسبیح گوید، و صد بار حمد الهی را بر زبان جاری سازد و صد بار زبان به تکبیر گشاید و صد بار بگوید: «لا اله الا الله»، خداوند از سر فضل و احسانی که بر بندگان دارد، همه گناهان او را ببامرزد و درخواست های دنیایی و آخرتی او را برآورده سازد؛ چه در خواست هایی که بر خداوند اظهار کرده و چه درخواست هایی که اظهار

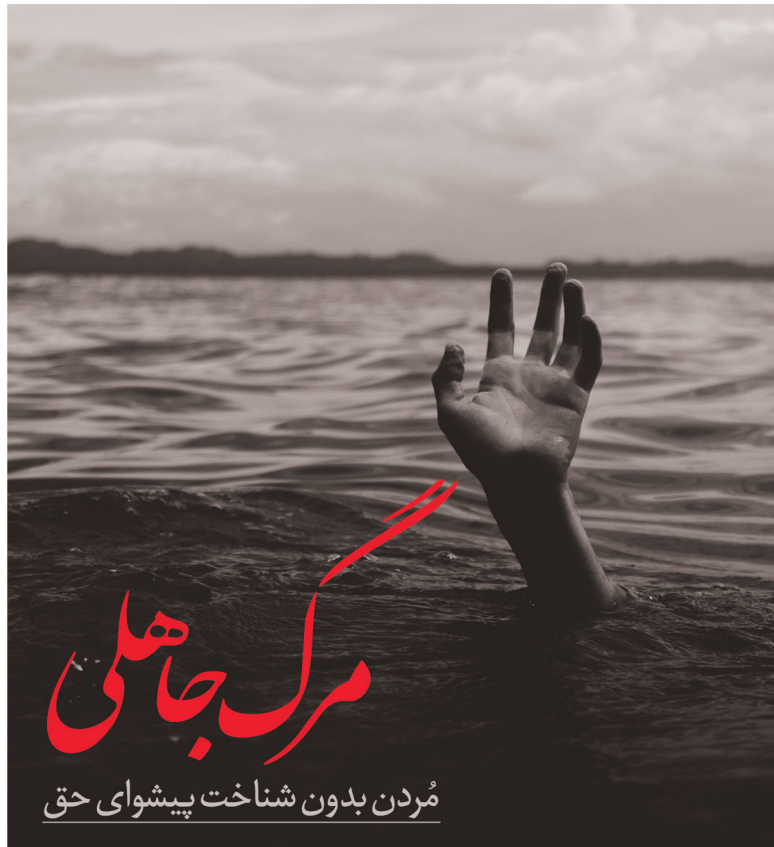


معاویه بن وهب گوید: شنیدم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«هر کس بمیرد، در حالی که امام خودش را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»

محمد بن عثمان غمری گوید: از پدرم شنیدم که می‌گفت: «من در حضور ابو محمد حسن بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم. از آن حضرت درباره این خبر که: «زمین تا روز قیامت از حجت خداوند بر خلقش خالی نیست و هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»<sup>۱</sup> پرسیده شد؛ فرمود: «إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ؛ به راستی این درست است؛ چنان که روز درست است.» به او عرض شد: «ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟» فرمود:

«پسرم، محمد او امام و حجت بعد از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. آگاه باشید برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان می‌شوند و اهل باطل در آن هلاک می‌گردند و کسانی که برای آن، وقت معین کنند، دروغ می‌گویند.»



سپس خروج می‌کند و گویی به پرچم‌های سپیدی می‌نگرم که بر بالای سرا در نجف کوفه در اهتزاز است.»<sup>۲</sup>

مرگ جاهلی، یعنی، مردن بدون شناخت خدا و رسول او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی که امام زمان خود را نشناسد، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت که خدا و پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نمی‌شناختند، خارج نشده است؛ بنابراین، اگر معرفت خدا و رسول او، به معرفت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و رجوع به آن انجامد، برای انسان سودی نخواهد داشت و او را دین دار نمی‌کند.

شخصی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید: منظور از جاهلیت، جهل مطلق و در باره همه چیز است یا فقط نشناختن امام است؟ آن حضرت فرمود: «جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ وَ ضَلَالٌ؛<sup>۳</sup> جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است.»

پس نتیجه عدم شناخت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، کفر و نفاق و گمراهی است. البته ممکن است نشناختن، در اثر عدم معرفی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ از سوی خدا باشد (بدون کوتاهی خود شخص). این حالت ضلال نامیده می‌شود و مرادف با استضعاف است. در این حالت، شخص مقصر نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دین داری محروم شده است. حالت کفر و نفاق، مربوط به شخصی است که معرفی الهی برایش صورت گرفته؛ ولی او در پذیرفتن آن کوتاهی کرده است. این، دو حالت دارد: یا انکار و عدم تسلیم خود را به صراحت ابراز می‌دارد که کفر نامیده می‌شود یا آن را مخفی می‌دارد که نفاق است. در هر سه صورت، شخص، از مسیر عبودیت خداوند دور افتاده و سرانجام نیک نخواهد داشت؛ پس شناخت و پیروی از امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، نه از باب تعبد که به حکم عقل است؛ چرا که انسان خداشناس راهی به سوی خدا ندارد، مگر از طریق که خود خداوند قرار داده است.

جز از این راه، نمی‌تواند از رضا و خشم الهی آگاه شود. مراجعه مردم به ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، از باب مراجعه نادان به دانا است. این یک حکم عقلی است؛ همچنان که عاقل در امور مادی و دنیایی خود، به دانا و متخصص آن مراجعه می‌کند، در امور معنوی و غیر مادی نیز عقل همین گونه حکم می‌کند.<sup>۴</sup> البته در روایت‌های اهل سنت، به جای معرفت امام، داشتن امام ذکر شده است. آنان از رسول اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند که فرمود: هر کس بمیرد و حال آن که امام نداشته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.<sup>۵</sup>

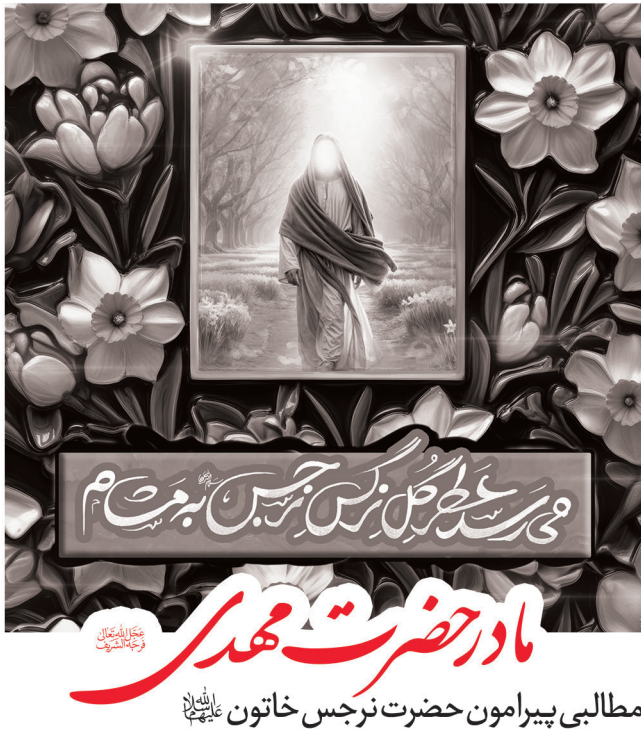
۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۹، ح ۹.  
۲. همان، ص ۸، ح ۸.  
۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷.  
۴. معرفت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص ۱۱۱ (با تصرف).  
۵. الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۱۴۴.



## راز سعادت و خوشبختی

توصیه آیت‌الله وحید خراسانی رَحِمَهُ اللهُ برای رهایی از مرگ جاهلی و رسیدن به سعادت و خوشبختی راز زبان حجت‌الاسلام حسینی قمی بشنوید.





در کانون خانواده امام عسکری علیه السلام، آن بانوی گرامی را به نام‌های مختلفی از قبیل نرجس، سوسن، صقیل (یا صیقل)، حدیثه، حکیمه، ملیکه، ریحانه و خمط صدامی زدند.

از دیدگاه یکی از پژوهشگران، سبب تعدد نام‌های آن بانو، علاقه و محبت فراوان به وی بوده است که باعث شده بود با بهترین اسم‌ها و زیباترین نام‌ها، او را صدا بزنند؛ از این رو تمام نام‌های آن بانو، از اسامی گل‌ها و شکوفه‌ها است؛ چون مردم، این نام‌های مختلف را شنیده بودند، می‌پنداشتند همه این نام‌های آن بانوی بزرگوار است. دیگر آن که این بانوی گرامی، پس از اینکه وارد کانون خانواده امام علیه السلام شد، خط مشی و مسیر دیگری داشت؛ زیرا او مادر حضرت مهدی علیه السلام بود. او فشار و ظلم ستمگران و حکومت‌ها را می‌دید و می‌دانست مدتی باید در زندان به سربرد و باید برای حفظ خود و فرزند گرامی اش، نقشه‌هایی بیاندیشد، تا حاکمان وقت، ندانند صاحب کدام نام را باید زندانی کنند و حامل نور مهدی علیه السلام کدام است. بر این اساس، هر روز نامی تازه برای خود می‌نهاد و در خانواده امام علیه السلام او را به این نام‌ها می‌خواندند، تا دشمنان خیال کنند این نام‌های مختلف، مربوط به چند نفر است و نفهمند همه مربوط به یک نفر است.<sup>۱</sup>

از سرگذشت مادر حضرت مهدی علیه السلام سخن صریح و روشنی در دست نیست؛ اما طبق قول مشهور که از برخی روایات به دست می‌آید، آن بانو، کنیزی بود که در جنگ اسیر شد و پس از آن، به خانواده گرامی امام عسکری علیه السلام پیوست. در مجموع می‌توان روایات مربوط به مادر حضرت مهدی علیه السلام را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که ایشان را از شاهزاده‌ای رومی معرفی کرده است؛

۲. روایاتی که ایشان را تربیت شده خانه حکیمه خاتون دانسته؛

۳. روایاتی که علاوه بر تربیت وی، ولادت آن بانوی بزرگ را نیز در خانه حکیمه ذکر کرده است؛<sup>۲</sup>

۴. روایاتی که ایشان را بانویی سیاه پوست دانسته است.

یکی از روایات‌های مشهور، حکایت از آن دارد که مادر امام مهدی علیه السلام، شاهزاده‌ای رومی است که اعجازگونه به بیت شریف امام عسکری علیه السلام راه یافته است.

شیخ صدوق در داستان مفصلی، حکایت مادر حضرت مهدی علیه السلام را نقل کرده است.<sup>۳</sup>

## روایات دسته اول

این روایت، نخست از طریق شیخ صدوق، در کتاب کمال الدین و تمام النعمة نقل شده است. آن گاه محمد بن جریر طبری آن را با سندی متفاوت، در کتاب دلائل الامامة<sup>۴</sup> آورده و شیخ طوسی در کتاب الغیبة به نقل آن پرداخته است.<sup>۵</sup> وی، روایت را درست مانند روایت کمال الدین آورده است؛ اما سند وی متفاوت است. فتال نیشابوری، ابن شهر آشوب، عبدالکریم نیلی<sup>۶</sup> و از متأخران صاحب‌اثبات الهداة فی النصوص والمعجزات از کسانی هستند که این حکایت را نقل کرده‌اند.

علامه مجلسی نیز حکایت را، یک جا از کتاب الغیبة و در جای دیگر، از کمال الدین نقل کرده است.<sup>۸</sup>

برخی گفته‌اند: این حکایت پس از سال ۲۴۲ ق اتفاق افتاده؛ در حالی که از سال ۲۴۲ ق به بعد، جنگ مهمی میان مسلمانان و رومیان، رخ نداده است تا نرجس خاتون اسیر مسلمانان شوند.<sup>۹</sup> در پاسخ گفته شده: در این دوران و پس از آن، درگیری و جنگ‌هایی میان آنان رخ داده است که در بسیاری از کتاب‌های تاریخی، می‌توان نمونه‌هایی از این درگیری‌ها را یافت.<sup>۱۰</sup>

## روایات دسته دوم

در بعضی از احادیث، بدون اشاره به سرگذشت آن بانوی بزرگوار، فقط به تربیت وی در بیت شریف حکیمه دختر امام جواد علیه السلام اشاره شده است.<sup>۱۱</sup> عموم روایات این دسته، با احادیث دسته نخست منافاتی ندارد؛ زیرا می‌توان روایات مربوط به نرجس خاتون را پس از ورود او به خانه آن بانوی بزرگ دانست.

## روایات دسته سوم

مسعودی در اثبات الوصیة پس از نقل روایت پیشین، افزوده است: نرجس خاتون، علاوه بر این که در بیت شریف عمه امام عسکری علیه السلام تربیت یافته بود؛ در همان بیت شریف نیز به دنیا آمده بود.<sup>۱۲</sup> شیخ طوسی این روایت را بدون جمله «ولدت فی بیتها»، نقل کرده است.<sup>۱۳</sup> در سه دسته روایت یاد شده، چند مطلب مورد اتفاق است: الف. آن بانوی شریف، کنیز بوده است؛ ب. او در خانه حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام بوده است؛ ج. حکیمه خاتون در موضوع ازدواج امام عسکری علیه السلام، از این کنیز سخن به میان آورده است.



## روایات دسته چهارم

در این دسته، بر خلاف روایات پیشین، سخن از کنیزی سیاه پوست به میان آمده است و عده‌ای نیز با تمسک به این روایات، خواسته‌اند دیدگاه مشهور را خدشه دار سازند. طرفداران این دیدگاه به روایت زیر از کناسی<sup>۱۴</sup> استناد کرده‌اند. او می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

همانا در صاحب این امر، سنتی از یوسف علیه السلام است و آن این که او فرزند کنیزی سیاه است. خداوند امرش را در یک شب اصلاح می‌فرماید.<sup>۱۵</sup>

علامه مجلسی با بیان این که این روایت، با بسیاری از روایات درباره مادر حضرت مهدی علیه السلام مخالفت دارد؛<sup>۱۶</sup> راه حل را این دانسته است که مقصود از روایت، می‌تواند مادر با واسطه یا مربی آن حضرت باشد.<sup>۱۷</sup>

در منابع معتبر، به سرگذشت مادر حضرت مهدی علیه السلام پس از ولادت آن حضرت هیچ اشاره‌ای نشده است. البته سخنی که در این باره نقل شده این است که:

ابوعلی خزیزرانی، کنیزی داشت که او را به امام عسکری علیه السلام اهدا کرد و چون جعفر کذاب، خانه امام را غارت کرد؛ وی از دست جعفر گریخت و با ابوعلی ازدواج کرد. ابوعلی می‌گوید: او گفته است در ولادت سید حاضر بود و مادر او صقیل نام داشت. امام حسن عسکری علیه السلام صقیل را از آنچه بر سر خاندانش می‌آید، آگاه کرد و او از امام خواست از خدای تعالی بخواهد مرگ وی را پیش از آن برساند. او در حیات امام حسن عسکری علیه السلام در گذشت و بر سر قبر وی لوحی است که بر آن نوشته اند: این، قبر مادر محمد است.

۱. پژوهشی در زندگی امام مهدی علیه السلام و نگرشی به غیبت صغرا، ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۲. اثبات الوصیة، ص ۲۷۲.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱.

۴. دلائل الامامة، ص ۲۶۲.

۵. کتاب الغیبة، ص ۲۰۸، ح ۱۷۸.

۶. المناقب، ج ۴، ص ۴۴۰.

۷. منتخب الانوار المضية، ص ۱۰۵.

۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶.

۹. تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص ۱۱۵.

۱۰. تاریخ الأمم والملوک، ج ۹، ص ۲۰۱؛ الکامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۸۰، ۸۱، ۸۵، ۹۳؛ البدایة و النهایة، ج ۱۰، ص ۳۲۳، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۷؛ همچنین در مقدمه کتاب مهدی موعود علیه السلام، ص ۱۵۲

مطلب مستندی در رد کسانی که جنگ در آن دوران را منتفی دانسته‌اند، آورده است.

۱۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۲، ح ۲.

۱۲. اثبات الوصیة، ص ۲۷۲.

۱۳. کتاب الغیبة، ص ۲۴۴.

۱۴. قابل توجه این که این روایت در غیبت نعمانی از یزید کناسی و در کمال الدین و تمام النعمة از ضریب کناسی نقل شده است.

۱۵. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۹، باب ۳۲، ح ۱۲.

۱۶. گفتنی است روایات فراوانی از سوی مدعیان مهدویت و طرفداران آن‌ها در طول تاریخ، جعل شده و به امامان معصوم علیهم السلام نسبت داده شده است.

۱۷. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹، باب ۱۳.

## سخنرانی مرحوم شیخ احمد کافی



با موضوع میلاد امام زمان علیه السلام و فرجه الشریف برای شنیدن این صوت کد روبرو را اسکن و یا روی آن کلیک کنید

## مُضْطَرُّ از القاب حضرت مهدی علیه السلام

مضطرب در لغت به معنای کسی است که بیماری، فقر یا سختی‌های روزگار، او را ناگزیر به تضرع در درگاه خداوند کرده است.<sup>۱</sup>

در برخی روایات، این واژه،

به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده و در قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته است:

«أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»؛<sup>۲</sup> ای کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد.

در برخی روایات، این آیه به حضرت مهدی علیه السلام و قیام آن حضرت تطبیق شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

این آیه درباره مهدی از آل محمد علیهم السلام نازل شده است. به خدا سوگند! مضطر او است. هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز به جا می‌آورد و دست به درگاه خداوند متعال برمی‌دارد، خداوند دعای او را اجابت می‌کند، ناراحتی‌ها را برطرف می‌سازد و او را

خلیفه روی زمین قرار می‌دهد.<sup>۳</sup>

بدون شك منظور از این تفسیر، منحصر ساختن مفهوم آیه، به وجود مبارك حضرت مهدی علیه السلام نیست؛ بلکه آیه معنای

گسترده‌ای دارد که یکی از مصداق‌های روشن آن، وجود حضرت مهدی علیه السلام است. زمانی که همه جا را فساد می‌گیرد، درها بسته

می‌شود، بشریت در بن بست سختی قرار می‌گیرد و حالت اضطراب در کل عالم نمایان می‌شود، این هنگام، حضرت مهدی علیه السلام

در مقدس‌ترین نقطه روی زمین، دست به دعا بر می‌دارد و تقاضای برطرف شدن سختی می‌کند. خداوند نیز این دعا را

سراغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار می‌دهد و به مصداق «جعلکم خلفاء الارض»؛ او و یارانش را جانشینان روی زمین می

۱. کفایة معجم البحرین، ج ۳، ص ۳۷۳. ۲. نمل (۲۷): ۶۲.

۳. الغیبة، ص ۳۱۴. ۴. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۱ و ۵۲۲.

## نام امام در قلب لندن



برای دیدن این کلیپ کد روبرو را اسکن و یا روی آن کلیک کنید





# ولادت حضرت مهدی



از حوادث مهم در تاریخ بشر، ولادت آخرین ذخیره الهی و موعود امت‌ها، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ولادت آن حضرت، از مسلمات تاریخ به شمار می‌آید. نه فقط امامان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف، دانشمندان و تاریخ‌نویسان شیعه به این مهم اشاره کرده‌اند؛ بلکه مورخان و محدثانی چند از اهل سنت نیز به این حادثه بزرگ تصریح نموده، آن را یک واقعیت دانسته‌اند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولادت شگفت‌آوری داشته و این، برای بسیاری سؤال‌انگیز بوده است؛ از این رو، ترسیم و تصویر مقدمات ولادت و برخورد مخالفان و دشمنان اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف برابر این پدیده، ضروری می‌نماید.

جریان امامت پیشوایان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فراز و فرودهای فراوانی پیدا کرد. امامان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف، با حفظ راهبرد کلی و خطوط اساسی امامت، در رابطه با حفظ مکتب و ارزش‌های آن، روش‌های گوناگونی را در برابر ستمگران، در پیش گرفتند. این فراز و نشیب‌ها، تا زمان امامت علی بن موسی الرضا عجل الله تعالی فرجه الشریف، ادامه داشت و امامان تا آن زمان، هر یک به تناسب زمان و مکان و ارزیابی شرایط سیاسی و اجتماعی، موضعی ویژه برمی‌گزیدند. پس از امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف، جریان امامت شکل دیگری یافت. امام جواد، هادی و عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف، در برابر دستگاه حاکم و خلفای عباسی موضعی یگانه‌برگزیدند.<sup>۱</sup>

پس از این‌که دوقرن و اندی از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سپری شد و امامت به آنان رسید، اندک‌اندک میان حکومتگران مسلمین در مرکز خلافت، نگرانی‌هایی عمیق جان گرفت. این نگرانی‌ها مربوط به اخبار و احادیث بسیاری بود که در آن‌ها اشاره شده از امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزندی تولد خواهد یافت که بر هم زنده اساس حکومت‌ها است. از این رو بر فشارها و سخت‌گیری‌ها بر امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف افزوده شد؛ تا شاید با نابودی ایشان، از تولد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تداوم امامت جلوگیری شود.

اما بر خلاف برنامه‌ریزی‌ها و پیشگیری‌های دقیق و پی‌در پی دشمنان، مقدمات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده شد و توطئه‌های ستمگران، راه به جایی نبرد، بدین علت دورانی که آن حضرت در شکم مادر بزرگوار خود بود و سپس تولدش، همه و همه، از مردم پنهان بود و جز چند تن از نزدیکان، شاگردان و اصحاب خاص امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف، کسی او را پس از ولادت نمی‌دید. آنان نیز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گاه‌گاه می‌دیدند؛ نه پیوسته و به صورت عادی.<sup>۲</sup>

## پنهانی بودن ولادت

یکی از ویژگی‌های ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پنهان بودن آن است که در سخنان معصومان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با تعبیرهای متفاوت مورد اشاره قرار گرفته است. امام سجّاد عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

در قائم ما سنت‌هایی از پیامبران وجود دارد: ... و سنتی از ابراهیم ... و اما از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره‌گیری از مردم...<sup>۳</sup>  
امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز فرمود:

ولادت صاحب‌الامر بر این خلق پوشیده است تا چون ظهور کند، بیعت کسی برگردنش نباشد.<sup>۴</sup>

## فلسفه مخفی بودن ولادت

مهم‌ترین فلسفه غیبت در امان ماندن آن حضرت از خطر نابودی است. به این بیان که خداوند متعال، می‌دانست اگر امامان پیشین ظاهر شوند، از کشته شدن در امان خواهند بود؛ برخلاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که اگر ظاهر شود، کشته خواهد شد. اگر یکی از پدران مهدی کشته می‌شد، حکمت و تدبیر الهی اقتضا می‌کرد دیگری به جای او نصب شود؛ ولی اگر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته شود، مصلحت و تدبیر امور انسان‌ها اقتضا نمی‌کرد که امام دیگری به جای او نصب گردد. ابوبصیر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده است که فرمود:

ولادت صاحب‌الامر بر این مردم پنهان است، تا چون خروج کند، بیعت هیچ کس برگردنش نباشد و خدای تعالی امر وی را در یک شب به سامان رساند.<sup>۵</sup>

شیخ طوسی، ولادت پنهانی حضرت را امری عادی و معمولی دانسته، می‌نویسد: این نخستین و آخرین حادثه نبوده و در طول تاریخ بشری، نمونه‌های فراوان داشته است.<sup>۶</sup>

## اثبات ولادت حضرت مهدی

ولادت پنهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، باعث شد برخی، آن را انکار کنند؛ اما شیعه برای اثبات ولادت آن حضرت، دلیل‌های فراوانی آورده است.



## الف. نوید امام عسکری علیه السلام به ولادت مهدی علیه السلام

امام عسکری علیه السلام گاهی، نوید مولودش را به یاران خاص می داد.<sup>۷</sup> و نیز در نویدی که به همسر بزرگوار خود داد، چنین فرمود:  
در آینده ای نزدیک دارای فرزندی خواهی شد. نامش محمد است. او قائم بعد از من است.<sup>۸</sup>

## ب. خبر دادن امام عسکری علیه السلام از ولادت مهدی علیه السلام

امام عسکری علیه السلام برای یاران ویژه، ولادت فرزند خود را گزارش کرد. احمد بن اسحاق گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود:  
سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد، تا آن که جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق، شبیه ترین مردم به رسول خدا است. خدای تعالی، او را در غیبتش حفظ فرماید؛ سپس او را آشکار کند. او زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که آکنده از جور و ستم شده باشد.<sup>۹</sup>

ابراهیم بن ادريس نیز گوید: امام عسکری علیه السلام گوسفندی به من داد و فرمود: «این را برای فرزندم فلان عقیقه کن و خود و نزدیکانت از آن بخورید.» سپس دو گوسفند داد و فرمود: «این دو گوسفند را از مولای خود عقیقه کن و بخور که خداوند بر تو گوارا نماید و به برادران دینی خود نیز از آن بده.»<sup>۱۰</sup>

## ج. خبر حکیمه، عمه امام عسکری علیه السلام از ولادت آن حضرت

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام عسکری علیه السلام، از زنان والا مقام نزد امامان علیهم السلام بود. وی به دستور مستقیم امام عسکری علیه السلام، شب ولادت حضرت مهدی علیه السلام حضور داشت و بخش فراوانی از روایات ولادت آن حضرت، از سوی این بانوی بزرگوار نقل شده است.

## د. خبر نسیم و ماریه (خادمان بیت امامت)

ایشان، دو تن از خدمتگزاران خانه امام عسکری علیه السلام بودند و از برخی روایات استفاده می شود که آنان نیز در شب ولادت در خانه امام عسکری علیه السلام حضور داشته اند.<sup>۱۱</sup>

## ه. گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه

ابوالادیان، از خدمتکاران خانه امام عسکری علیه السلام بود که علاوه بر حضور در بیت آن بزرگوار، سرپرست امور نامه های آن حضرت و بردن آن ها به شهرهای مختلف بود. او یکی از کسانی است که روایت شهادت امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن حضرت مهدی علیه السلام بر بیکر آن حضرت را ذکر کرده است.<sup>۱۲</sup>

## و. گزارش برخی از دانشمندان اهل سنت

بیشتر اهل سنت - آن گونه که شیعه باور دارد - اعتقادی به زاده شدن مهدی موعود علیه السلام ندارند؛ اما دانشمندی چند از ایشان، علاوه بر تصریح یا اشاره به ولادت آن حضرت در سال ۲۵۵ ق، او را همان موعود در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند. افرادی از اهل سنت که در نوشته های خود به ولادت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده اند، دودسته هستند:<sup>۱۳</sup>

**یک.** کسانی که ولادت حضرت مهدی علیه السلام را گزارش کرده اند؛ ولی درباره موعود بودن او ساکت مانده اند.<sup>۱۴</sup> ابن اثیر (م ۶۳۰ ق)، در الکامل فی التاریخ درباره حوادث سال ۲۶۰ ق چنین می نویسد:

در این سال، ابو محمد علوی عسکری وفات کرد. او یکی از ۱۲ امام مذهب امامیه و پدرو محمد است که معتقدند او منتظر می باشد.<sup>۱۵</sup>  
ابن خلکان (م ۶۸۱ ق) در وفیات الایمان<sup>۱۶</sup> و ذهبی (م ۷۴۸ ق) در کتاب العبر<sup>۱۷</sup> چنین گزارشی ارائه کرده اند.

**دو.** کسانی که علاوه بر گزارش ولادت آن حضرت، به موعود بودن آن حضرت تصریح کرده اند (البته این دسته کم شمارند):  
کمال الدین محمد بن طلحة شافعی (م ۶۵۲ ق) در کتاب مطالب السؤل گوید:

ابوالقاسم محمد بن حسن خالص، پسر علی متوکل، پسر قانع، پسر علی رضا، پسر موسی کاظم، پسر جعفر صادق، پسر محمد باقر، پسر علی زین العابدین، پسر حسین زکی، پسر علی مرتضی امیر المؤمنین، پسر ابوطالب، مهدی، حجت، خلف، صالح، منتظر و رحمت و برکات خداوند بر او باد.<sup>۱۸</sup>

نور الدین علی بن محمد بن صباغ مالکی (م ۸۵۵ ق) فصل دوازدهم از کتاب الفصول المهمه را با این عنوان آورده است:  
در شرح حال ابوالقاسم حجت، خلف صالح، پسر ابو محمد حسن خالص، او امام دوازدهم است.<sup>۱۹</sup>

## زمان و مکان ولادت

مطابق روایت های بسیاری از شیعه<sup>۲۰</sup> و برخی از اهل سنت، میلاد خجسته امام عصر علیه السلام شب نیمه شعبان ۲۵۵ ق، واقع و باعث مزید فضیلت این شب مبارک شده است.

جهت مشاهده منابع این مقاله کد روبرو را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.



## ارتباط با امام ...



دعا وسیله ای برای ارتباط با امام زمان علیه السلام  
این کلیپ استوری را  
از زبان رهبر معظم انقلاب علیه السلام بشنوید.



# احمد بن اسحاق قمی

از افراد مورد اعتماد امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف  
و وکلای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

احمد بن اسحاق قمی، بزرگ شیعیان قم و از اصحاب امام جواد، هادی و عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. او، زمان امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف به دیدن حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شرفیاب شد و از وکلای حضرت عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. در خاندان امامت از شأن و مرتبه والایی نیز برخوردار بود. احمد بن اسحاق گوید: بر امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شدم و خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم؛ او آغاز سخن کرد و فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! خدای عجل الله تعالی فرجه الشریف از زمان آدم عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز از حجت خالی نخواهد گذاشت. به واسطه او بلا را از اهل زمین دفع میکند و باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد.»  
پرسیدم: «ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟»

حضرت شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت، در حالی که بر شانه اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید. پس فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای عجل الله تعالی فرجه الشریف و حجت های او گرامی نبودی، این فرزندم را به تو نمی نمودم. او هم نام و هم کنیه رسول خدا عجل الله تعالی فرجه الشریف است، کسی است که زمین را پراز عدل و داد می کند؛ همچنان که پراز ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر و ذوالقرنین است، او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی یابد، مگر کسی که خدای عجل الله تعالی فرجه الشریف او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موقت سازد.»

پرسیدم: «ای مولای من! آیا نشانه ای هست که قلبم بدان آرام گیرد؟» آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: «أنا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمِ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ؛ من بقیت الله در زمین خدا هستم و منتقم از دشمنان اویم، ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده، جستجوی نشانه مکن.»

شاد و خرم بیرون آمدم و فردای آن روز نزد امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف بازگشتم و گفتم: «ای فرزند رسول خدا! شادی من به واسطه منتی که بر من نهادید، بسیار است. بفرمایید آن سنتی که از خضر و ذوالقرنین دارد چیست؟» فرمود: «ای احمد! غیبت طولانی.» گفتم: «ای فرزند رسول خدا! آیا غیبت او به طول خواهد انجامید؟» فرمود:

«به خدا سوگند! چنین است. تا به اندازه ای که بیشتر معتقدان به او بازگردند و باقی نماند، مگر کسی که خدای عجل الله تعالی فرجه الشریف عهد و پیمان ولایت ما را از او گرفته و ایمان را در دلش نگاشته و با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد. ای احمد بن اسحاق! این امری از امر الهی و رازی از رازهای خداوند و غیبی از غیب پروردگار است. آنچه به تو دادم، بگیر و پنهان کن و از سپاسگزاران باش، تا فردا با مادر علیین باشی.»<sup>۳</sup>



از زبان استاد رفیعی

جهت دریافت فایل ویدئو استوری دک روبرو را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.

۱. رجال النجاشی، ص ۹۱، رقم ۲۲۵؛ رجال الطوسی، ص ۳۷۳، رقم ۵۵۲۶.
۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۳، ش ۱۶.
۳. همان، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱.

## امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

همچنین براساس روایاتی درباره سوره قدر، در شب قدر هر سال تا روز قیامت، فرشتگان بر امام آن زمان نازل می شوند و این سوره دلیل روشنی بر وجود امام در همه زمان ها است.

افزون بر آیات، از روایات فراوانی نیز استفاده میشود که زمین، هیچگاه از حجت الهی تهی نخواهد بود و هرگاه از حجت الهی تهی باشد، اهلش را فرو خواهد بُرد؛ به گونه ای که حتی اگر دو نفر بر روی زمین زندگی کنند، یکی از آنان حجت و امام خواهد بود.<sup>۳</sup>

روایات فراوانی در دست است که امامت در ادامه پیامبری اسلام در دوازده نفر معین شد که آخرین آن ها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. نه فقط پیروان مکتب اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف که برخی از دانشوران اهل سنت، در روایاتی چند به این حقیقت بزرگ اشاره کرده اند.

شیعه، بر این باور است که پیامبران چون از جهت عمر و امکانات محدودند، برای محقق ساختن اهداف خود به امر الهی، جانشین خود را معرفی و مردم را به اطاعت از آنان سفارش میکنند. بر این اساس اگر پیامبر خلیفه و امام معرفی نکند، رسالتش را به انجام نرسانده است.<sup>۱</sup> دیگر آن که، وجود امام در هر عصر و زمان و در هر جامعه ای برای هدایت انسان ها به سوی کمال و برقراری نظم در جامعه ضرورت دارد. خداوند در این باره فرمود:

«أَتَمَّا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ همانا تو انذار دهنده ای و برای هر قومی هدایت گری است.»

روایات تفسیری این آیه نیز این حقیقت را تأیید می کند که امامی زنده تا روز قیامت میان انسان ها حضور دارد.



سال‌ها پیش از آن که نهم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ ق پیامبر ﷺ امامت آخرین حجت الهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نوید داده بودند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

پیشوایان پس از من، دوازده نفرند؛ نخستین ایشان، علی بن ابی طالب، و آخرین آن‌ها قائم است. آن‌ها جانشینان و اوصیای اولیای من و حجت‌های خداوند پس از من، بر امت من هستند. اقرار کننده به آن‌ها مؤمن، و انکارکننده ایشان، کافر است.<sup>۵</sup>

و سرانجام این تلاش پیوسته، به دست یازدهمین امام به اوج خود رسید که در آن، آخرین ذخیره الهی به نیکوترین صورت ممکن، معرفی شده است؛ آن‌جا که از آن حضرت در باره درستی یا چگونگی این خبر که به نقل از پدران بزرگوارش رسیده است، پرسیدند که: «زمین، هیچ‌گاه از حجت خدا بر خلقش خالی نیست. هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»<sup>۶</sup> آن حضرت فرمود: «این مطلب حق است؛ آن‌گونه که روز، حق است.» سپس از آن حضرت سؤال شد: «ای پسر پیامبر! حجت و امام پس از شما کیست؟» فرمود: «فرزندم محمد. او امام و حجت پس از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»<sup>۷</sup>

تا این که با شهادت یازدهمین پیشوای شیعیان، در حالی که بیش از پنج بهار از عمر آخرین ذخیره الهی سپری نشده بود، فصل بهره‌مندی مستقیم انسان‌ها از امام ظاهر به پایان رسید و در پی آن، دورانی بسیار مهم در زندگی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام پیش آمد. این دوران، هم‌زمان با دورخداد مهم آغاز شد: رسیدن آخرین حجت الهی به مقام امامت و دیگر؛ قرار گرفتن آن حضرت در پرده پنهان زیستی.

اگر چه برگزیدگانی از شیعه برای این مرحله آمادگی کامل داشتند، می‌بایست هر دورخداد، برای عموم شیعیان به اثبات برسد؛ چرا که حضرت مهدی علیه‌السلام نخستین روز امامت را در حالی آغاز کرد که جز افرادی اندک که پیش از آن حضرت را دیده بودند، کسی او را ندیده بود. تا این که روز درگذشت امام یازدهم فرا رسید و آن حضرت، میان مردم آمده، بر پیکر پدر نماز گزارد.<sup>۸</sup>

البته پیش از آن، با هدایت‌های پیوسته پیامبر و امامان علیهم‌السلام شیعه به این نکته باور پیدا کرده بود که خداوند، از طریق آخرین پیامبر خود، مقام امامت و ولایت را به سبب قابلیت‌های ذاتی به افرادی خاص عطا فرموده و فقط از طرف او است که برای جامعه امام نصب می‌شود. نیز این که این قابلیت، هیچ ارتباطی به کمی یا زیادی سن ندارد.

جالب این که این‌گونه پیشوایی، پیش از آن، هم بین امامان علیهم‌السلام و هم در زنجیره پیامبران علیهم‌السلام دارای سابقه بود.

یکی از دانشوران معاصر، امامت در سنین کم را پدیده‌ای واقعی دانسته، چنین استدلال کرده است:

... امامی که در کودکی به پیشوایی روحی و فکری مردم رسیده، و مسلمانان حتی در کشاکش آن همه موج ویرانگر. باز خویشتن

خویش را به پیروی و دوستی او گماشتند، به طور مسلم باید از دانش و آگاهی و گستردگی دید و دانا بودن به فقه و تفسیر و عقاید، بهره‌ای آشکار و چشمگیر داشته باشد؛ چون در غیر این صورت، نمی‌توانست مردم را به پیروی از خویش وادارد... به فرض محال که مردم نتوانستند حقیقت و واقعیت امر را دریابند، دستگاه خلافت و نیروی حاکم که آن همه دشمنی علنی با امام داشته، چرا بر نخاسته و پرده از رخسار حقیقت نینداخته است؟ اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عالی برخوردار نبود، خلفای معاصر، خیلی خوب می‌توانستند جنجال به پا کنند؛ اما سکوت آن‌ها و سکوت تاریخ، گواه است که امامت در سنین کم، پدیده‌ای حقیقی بوده است، نه ساختگی.<sup>۹</sup>

بنابراین، همان‌گونه که خداوند، مقام نبوت را به کودک خردسالی داد، می‌تواند مقام امامت را نیز با تمام ویژگی‌های لازم، به کودکی عطا فرماید.

روایت‌های فراوان و شواهد تاریخی، گویای آن است که پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو امام (امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام) نیز پیش از سن بلوغ جسمانی به امامت رسیدند. این، خود ایجاد آمادگی برای پذیرش امامت مهدی علیه‌السلام، در کودکی بود. در میان امامان دوازده‌گانه، نخستین پیشوایی که در سن کودکی به امامت رسید، امام جواد علیه‌السلام بود. آن حضرت، در ۷ سالگی به مقام امامت رسید.<sup>۱۰</sup> از آن‌جا که این مسأله در دوران امامت بی‌سابقه بود، در ابتدا برخی بدان اعتراض کردند؛ ولی با هدایت‌های امام رضا علیه‌السلام و کرامت‌هایی از خود آن حضرت، دل شیعیان آرام گرفت.

معمر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه‌السلام شنیدم مطلبی درباره امر امامت بیان کرد و سپس فرمود: «به این موضوع چه احتیاجی دارید؟ این ابوجعفر است که او را به جای خود نشانده و قائم مقام خود ساخته‌ام» و فرمود: «ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مو به مواز بزرگ سالان مان ارث می‌برند.»<sup>۱۱</sup>

این روایت، بیانگر آن است که مقام امامت، به کمی و یا زیادی سن ربطی ندارد.

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدم، در حالی که کودک نابالغی عصاکش من بود. حضرت به من فرمود:

چگونه خواهید بود زمانی که حجت بر شما هم سال این کودک باشد؟» یا فرمود: «همسال این کودک بر شما ولایت داشته باشد.»<sup>۱۲</sup>

صفوان بن یحیی گوید: به امام رضا علیه‌السلام گفتم: پیش از آن که خدا ابوجعفر را به شما ببخشد، درباره جانشینتان از شما می‌پرسیدیم و شما می‌فرمودید: «خدا به من پسری عنایت می‌کند.» اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن نمود. اگر خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی پدید آید به که بگرویم؟ حضرت با دست به ابوجعفر که برابرش ایستاده بود، اشاره فرمود. عرض کردم: «قربانت شوم! این پسر، سه ساله است.» فرمود: چه مانعی دارد؟ عیسی سه ساله [کمتر] بود که به حجت قیام کرد.<sup>۱۳</sup>

اگر چه برخی برابر این اراده از خود واکنش‌های نامناسبی نشان



# فترت

## تعبیری برای غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

فترت اسم مصدر ثلاثی مجرد «فتر»، به معنای مدت سکون و آرامش است. برای فترت و فتر در لغت عرب معانی مختلفی ذکر شده است.

راغب اصفهانی، فتر و فتور را «سکون بعد از حدت» و «ضعف بعد از قوت» معنا کرده است.<sup>۱</sup> «فترت» در اصطلاح دینی، به مدت زمان بین دو پیامبر و نیز مدت کوتاهی از انقطاع وحی در دوران رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته می شود. این کلمه یک بار در قرآن کریم آمده و به فاصله زمانی بین حضرت عیسی علیه السلام و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

در بیشتر روایات مهدویت، مدت زمان پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به «غیبت» تعبیر شده است؛ اما در پاره‌ای از سخنان معصومان علیهم السلام این دوران را «فترت» نیز یاد کرده‌اند. ابو حمزه گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: «صاحب الامر شماست؟» فرمود: «نه.» گفتم: «پسر شما است؟» فرمود: «نه.» گفتم: «پسر پسر شما است؟» فرمود: «نه.» گفتم: «پسر پسر پسر شما است؟» فرمود: «نه.»

گفتم: «پس او کیست؟» فرمود:

همان کسی است که زمین را پر از عدالت کند؛ چنان که پر از ستم و جور شده باشد. او در زمان فترت [پیدا نبودن امامان] بیاید؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان فترت [= پیدا نبودن رسولان] برانگیخته شد.<sup>۴</sup>

۱. المفردات، ص ۳۷۱.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

۳. سوره مائده (۵): ۱۹.

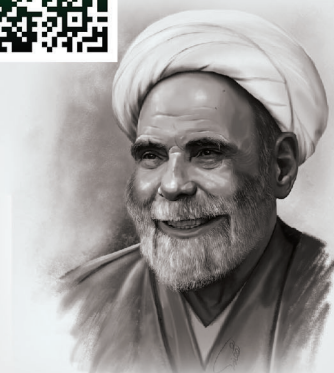
۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۴۱، ح ۲۱.

دادند، کم نبودند انسان‌های وارسته‌ای که برابر این خواست الهی، در کمال تواضع سر فروتنی و پذیرش فرود آورده، با خشنودی کامل آن را پذیرفتند. از جمله ایشان، علی بن جعفر بن محمد، عموی امام رضا علیه السلام بود که در کهولت سن، برابر امام جواد علیه السلام در نهایت فروتنی بر پیروی از ایشان تأکید می کرد.<sup>۱۴</sup> از این جا بود که پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام با این باور که مقام امامت امری فراتر از محاسبات ظاهری است در امامت امام هادی علیه السلام، با اطمینان بیشتری آن را پذیرفتند. چرا که ایشان نیز در سن هشت سالگی به امامت رسید.<sup>۱۵</sup> از آنجا که شرایط امامت حضرت مهدی علیه السلام دیگرگون بود، تردیدهایی در ذهن شیعه پدید آورده، کار امام عسکری علیه السلام را مشکل ساخت. آن حضرت، نه فقط در سن کمتر از دیگر امامان به امامت رسید، بلکه ولادتش نیز به خاطر مصالحی پنهانی بود و تا زمان امامت، جز اندکی، جمال دل آرای او را ندیده بودند. البته حافظه شیعه، آموزه‌های پیشوایان معصوم علیهم السلام پیشین را که با اقداماتی مناسب، برای این امر زمینه سازی کرده بودند<sup>۱۶</sup>، هرگز فراموش نکرده بود.

۱. مائده (۵): ۶۷.
۲. رعد (۱۳): ۷.
۳. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۲۵.
۴. منتخب الاثر، الفصل الاول فیما یدل علی ان الائمة اثنا عشر...
۵. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۹.
۶. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.
۷. همان.
۸. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۷۵، باب ۴۳، ح ۲۵.
۹. جست و جو و گفت و گو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص ۴۸، ۴۷.
۱۰. الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۳.
۱۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۲.
۱۲. الکافی، ج ۱، (حالات الائمة فی السن، ح ۴).
۱۳. همان، ج ۱، (باب الاشارة والتص علی ابی جعفر الثانی).
۱۴. همان، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱۲.
۱۵. الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷.
۱۶. الغیبة، ص ۳۲۲، ح ۱.



## جایگاه امامت در قرآن



جایگاه امامت در قرآن در کلام آیت الله مجتبی تهرانى  
برای دریافت و مشاهده این کلیپ کد بالا را  
اسکن و یا روی آن کلیک کنید





جهت دریافت فایل اینفوگرافی این محتوا کد رو بروراسکن و یا روی آن کلیک کنید

# بای درس یاران شهید صاحب الزمان

عَلَيْهِ السَّلَام  
وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ



دوست دارم باری از روی دوش شما بردارم

شهید رسول پورمراد

آقا! خیلی دوست دارم برای نزدیک شدن فرج و ظهورت کاری کنم و باری از روی دوش شما بردارم نه اینکه... آقا!! احساس می کنم چند وقتی است که سرگرم دنیا و از شما غافل شده ام و امیدوارم این حضورم در سوریه و خدمت در اینجا مرا به شما نزدیک کند تا جایی که وقتی به یاد من هستی لبخند رضایت بر لب داشته باشی نه اینکه... آقا! شما امام زمان من هستی، شما صاحب اختیار من هستی، شما صاحب اصلی دل من هستی پس عنایت کن و نگاهی از روی لطف و رحمت به این بیچاره کن، از همان نگاه هایی که دل را منقلب می کند. آقا!! از خداوند سلامتی و تعجیل در فرج شما را مسئلت دارم و شما هم دعا کنید خداوند توفیق و نعمت شهادت در رکابت را بعد از خدمات زیاد نصیبم کند.



به من هم معرفت امام زمانم را عنایت فرما

شهید محمدحسن (رسول) گللی

خدایای دانم که کم کاری از من است. خدایای دانم که من بی توجهم. خدایای دانم که من بی همتم. خدایای دانم که من قلب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ را رنجانده ام. اما خود می گویی که به سمت من بازآیید. آمده ام، خدا یا کمکم کن تا از این جسم دنیوی و فکرهای مادی نجات یابم. به من هم مثل شهدا شیوه گذراندن این فانی و محل گذر را بیاموز. به من هم معرفت امام زمانم را عنایت فرما. به من هم معرفت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را بده. خدایا کمکم کن که تمام وجودم و اعضای بدنم و اعمال من برای تو و رضای تو باشد. خدایا به من شیوه نزدیک شدن به بارگاه خودت و گنجینه معرفت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را بیاموز تا بتوانم هم به دیگران کمک کنم و هم خودم را نجات دهم و به نردبان شهادت دست یابم.



مادر مسیر تحقق

و عده بزرگ الهی

قرار گرفته ایم. هم من... هم تو

شهید محمود درما بیضانی

باید به خودمان بقبولانیم که در این زمانه به دنیا آمده ایم و شیعه هم به دنیا آمده ایم، تا مؤثر در تحقق ظهور مولا باشیم و این همراه با تحمل مشکلات، مصائب، سختی ها و دوری هاست و جز با فدا شدن محقق نمی شود حقیقتاً... نمی خواهم حرف های آرمانگرایانه بزنم یا غیر واقعی صحبت کنم؛ نه!

حقیقتاً در مسیر تحقق وعده بزرگ الهی قرار گرفته ایم. هم من... هم تو... بحمدالله. خدا را باید به خاطر این شرایط و این توفیق بزرگ شاکر باشیم. من و تو نقشی برگردنمان نهاده شده و باید به سرانجام برسانیمش تا بار دیگر شاهد مظلومیت و غربت فرزندان زهرای مرضیه عَلَيْهَا السَّلَام نباشیم.

مسئولیت سنگینی بر دوشمان گذاشته شده است و اگر نتوانیم از پشش برآییم، شرمنده و خجل باید به حضور خداوند و نبی اش و ولی اش برسیم، چرا که مقصیریم. کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا و بقول سید مرتضی آوینی، این یعنی اینکه همه ما شب انتخابی خواهیم داشت، که به صف عاشوراییان بیبوندیم یا از معرکه جهاد بگریزیم و در خون ولی خدا شریک باشیم. ان شاء الله در پناه حق و تا [تحقق] وعده الهی و یاری دولت ایشان خواهیم ایستاد.

برای ظهور آماده باشید

شهید محسن شیری



خودتان را برای ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ و جنگ با کفار به خصوص اسرائیل آماده کنید که آن روز خیلی نزدیک است. همیشه برای خدا بنده باشید که اگر این چنین شد بدانید عاقبت همه ی شما به خیر ختم می شود...



من، همسر و دو فرزندم شهیدان  
 را سربازانی در پادگان نومی دانیم  
 شهید حمیدرضا اسداللهی

ای سید و مولایم! آقا جان! از تو ممنوم به خاطر تمام محبت‌هایی که در دوران دنیا به من ارزانی داشتی و شرمنده‌ام که شاکر این همه نعمت نبودم، اما امید به رحمت و کرم این خانواده دارم و باین امید زنده‌ام. گرچه برای تربیت شدن و سرباز تو شدن تلاشی نکرده‌ام، اما به آن امید جان می‌دهم که در آن روز موعود که ندا می‌دهند از قبرهایتان بیرون آید و به یاری مولایتان بشتابید، من هم به اذن مولایم در حالی که شمشیر به کمر بسته‌ام، از قبر بیرون آمده و پای رکاب شما سربازی کنم، آرزوی بزرگی است، اما آرزو بر جوانان عیب نیست. در دوران زندگی ام سعی کردم هیچ موضوع شخصی و دنیایی را از شما نخواهم و شما را قسم ندهم، اما الان در حرم جدتان امام رضا علیه السلام شما را به مادرتان قسم می‌دهم که همه جوانان این انقلاب اسلامی و در آخر این حقیر عاصی را برای نصرت خودتان تربیت کنید و برای سربازی خودتان به کار گیرید. آقا جان! به من می‌گویند تو زن و بچه داری، چرا به جهاد می‌روی؟ آقا جان! مگر من برای همسر و فرزندانم چه کرده‌ام؟ هرچه بوده از لطف و عنایت شما بوده است. آقا جان! برخی نمی‌دانند وقتی من از تو جدا شدم، آن روز باید نگران من شوند و ان شاء الله که آن روز را نبینند. من، همسر و دو فرزندم خودمان را سربازانی در پادگان تو می‌دانیم، حال یکی از این سربازان عزم مأموریت دارد و مشکلی پیش نمی‌آید؛ چون فرمانده بالای سر خانواده هست و فقط باید مواظب باشیم تا از این پادگان اخراج نشویم، آقا جان! تو کمک مان کن، زندگی چقدر شیرین می‌شود وقتی که پادگان تو شود و این زندگی همان بهشت است....



امام زمان را تنها نگذارید

شهید هادی ذوالفقاری

از برادرانم می‌خواهم که غیر حرف آقا حرف کس دیگری را گوش ندهند جهان در حال تحول است دنیا دیگر طبیعی نیست الان دو جهاد در پیش داریم اول جهاد نفس که واجب‌تر است زیرا همه چیز لحظه آخر معلوم می‌شود که اهل جهنم هستیم یا بهشت، حتی در جهاد با دشمن‌ها احتمال می‌رود که طرف کشته شود ولی شهید به حساب نیاید چون برای هوا نفس رفته جبهه و اگر برای هوای نفس رفته باشید یعنی برای شیطان رفتید و در این حال چه فرقی است بین ما و دشمن؟ امام زمان را تنها نگذارید. آن‌ها اهل شیطان هستند و ما هم شیطان. دین خودتان را حفظ کنید چون اگر امام زمان بیاید احتمال دارد روبه‌روی امام باشیم و با امام مخالفت کنیم. امام زمان را تنها نگذارید من که عمرم رفت و وقت از دست دادم تا به خودم آمدم دیدم که خیلی گناه کردم و پل‌های پشت سرم را شکانده‌ام و راه برگشت ندارم.

## مداح اهل بیت علیهم السلام شهید محمد رضا تورجی زاده



یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

روز به روز بر معنویت و صفای روح خود بیافزایید، نماز شب را وظیفه خود بدانید، حافظی بر حدود الهی باشید...  
 خدایا سختی جان کندن را بر ما آسان فرما، در آخرین لحظات چشمان ما را به جمال یوسف زهرا علیها السلام منور فرما، خدایا کلام آخر ما را یار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یار زهرا علیها السلام قرار بده.



برای دیدن کلیپی درباره شهید تورجی زاده کد بالا را اسکن و یا روی آن کلیک کنید



رهبری جامعه از سوی امام غایب  
در غیبت صغرا

# نیابت خاص



با توجه به ویژگی‌های دوران غیبت صغرا، یکی از مباحث مهم در این دوران، بحث نیابت خاص است.

در دوره غیبت صغرا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه چهار نفر نایبان خاص خود با شیعیان در رابطه بود و امور آنان را سر و سامان می‌داد. این امور، افزون بر مسائل مالی، شامل مسائل عقیدتی و فقهی نیز می‌شد.

رابطان میان آن حضرت و شیعیان، چهار نفر از اصحاب با سابقه و

مورد اعتماد امامان پیشین بودند که یکی پس از دیگری این وظیفه مهم را بر عهده داشتند. آنان، به نواب خاص آن حضرت معروفند. این افراد، با وکیلان حضرت در دورترین نقاط شهرهای اسلامی در تماس بوده و نامه‌ها و خواسته‌های شیعیان را به محضر مقدس او می‌رساندند و در پاسخ، توقیعاتی از طرف آن حضرت صادر می‌شد.

نیابت خاص، بدان سان بود که امام، شخص معین و مشخصی را نایب خود قرار دهد و به اسم و خصوصیات، او را معرفی کند؛ همان گونه که پیش از آن امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف این کار را انجام داده و فرمود: عمری و پسرش [= عثمان بن سعید، نایب اول و محمد بن عثمان، نایب دوم] مورد اعتماد هستند؛ هر چه آنان به تو برسانند، از من می‌رسانند و آنچه به تو بگویند، از جانب من می‌گویند.<sup>۱</sup>

و در جای دیگر فرمود: گواه و شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری [= نایب اول] وکیل من و فرزندش محمد بن عثمان [= نایب دوم] وکیل فرزند من، مهدی شما است.<sup>۲</sup>

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نایبان پس از عثمان بن سعید (نایب اول) را به وسیله نایب پیش از او معین و به مردم معرفی می‌کرد.<sup>۳</sup> نیابت و سفارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا، از مسئولیت‌های خطیری است که فقط برانزده کسانی است که ویژگی‌ها و ارزش‌های خاصی داشته باشند. برخی از این ویژگی‌ها چنین است:

ایمانی استوار و خلل‌ناپذیر | امانت‌داری به مفهوم واقعی آن | تقوایی و پرهیزکاری  
راز داری و پوشیده‌داشتن اموری که باید نهان بماند

دخالت ندادن رأی و نظر شخصی خویش در امور مخصوص به آن حضرت | اجرای دستورهای امام...

آنچه میان ویژگی‌های نواب، دارای اهمیت ویژه‌ای بود، رازداری آنان بود. عده‌ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: «چطور شد امر نیابت به ابوالقاسم حسین بن روح واگذار شد؛ ولی به تو واگذار نگردید؟» او پاسخ داد: «آنان [= امامان اطهار عجل الله تعالی فرجه الشریف] بهتر از هر کس می‌دانند چه کسی را به این مقام برگزینند. من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با ایشان مناظره می‌کنم. اگر آنچه ابوالقاسم بن روح درباره امام می‌داند، می‌دانستم، شاید در بحث‌هایم با دشمنان و جدال با آنان، می‌کوشیدم دلیل‌های بنیادی را بر وجود امام ارائه کنم و در نتیجه محل اقامت او را آشکار سازم؛ اما اگر ابوالقاسم، امام را در زیر جامه خود پنهان کرده باشد، و بدنش را باقیچی قطعه‌قطعه کنند تا او را نشان دهد، هرگز چنین نخواهد کرد.<sup>۴</sup>

۱. کتاب الغیبة، ص ۲۴۳ و ص ۳۶۰.

۲. همان، ص ۳۵۵.

۳. ر.ک: پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۴.

۴. کتاب الغیبة، ص ۳۹۱، ح ۳۵۸.

برادران حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آخر الزمان

آیت الله ناصری رحمته الله علیه روایت برادران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آخر الزمان را به شکل شیوایی مطرح کرده است. بازخوانی این روایت در روزهای دوران غیبت جالب توجه است. برای دریافت کلیپ استوری این محتوا کد روبه‌رو را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.



# نیابت عام

## رهبری جامعه از سوی امام غایب در غیبت کبرا

پس از پایان دوران غیبت صغرا و نیابت خاص و با آغاز غیبت کبرا هدایت شیعیان با عنوان نیابت عام از سوی حضرت شکل گرفت؛ به این صورت که امام، ضابطه ای کلی و صفات و مشخصاتی عام به دست داد که در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه از هر جهت و در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب

امام شناخته شود و به نیابت از او در امر دین و دنیا، سرپرست جامعه باشد؛ سخنش سخن امام و اطاعتش واجب و مخالفتش حرام خواهد بود. در این باره روایاتی چند نقل شده است؛ از جمله:

**یک.** اسحاق بن یعقوب، درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبرا از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید و توقیع ذیل در پاسخ او صادر شد: ... و اما در پیشامدهایی که برای شما رخ می دهد، باید به راویان اخبار ما [= دانشمندان علوم دینی] رجوع کنید؛ ایشان حجّت من بر شما هستند و من، حجّت خدا بر آنانم.<sup>۱</sup>

این روایت، از روشن ترین روایات در بیان ولایت عام است. بیشتر افرادی که به این روایت تمسک کرده اند، بیشتر به فقره دوم آن، «فَأْتَهُمْ حُجَّتِي عَلَيْهِمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» توجه داشته اند.

**دو.** امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف از پدر بزرگوارش نقل کرده است که فرمود: اگر نبود دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما، به سوی او دعوت می کنند و به سوی او رهنمون می شوند و از دین او دفاع می کنند و بندگان ناتوان را از دام های شیطان و مریدهای شیطانی نجات می دهند، کسی باقی نمی ماند، مگر این که از دین خدا باز می گشت؛ ولی این دانشمندان، زمام دل ضعیفان را به دست می گیرند؛ همان گونه که ملوان ها، زمام کشتی را به دست می گیرند و سرنشین های کشتی را از خطر مرگ ننگه می دارند. این ها نزد خدای تبارک و تعالی برترین هستند.<sup>۲</sup>

**سه.** امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره فقیهان راستین، ویژگی های آن ها و مسئولیت جامعه برابر آن ها، فرموده است: ... و اما هر يك از فقیهان که بر نفس خود مسلط باشد و دین خود را حفظ کند، با هوای نفس خود مخالفت ورزد و امر خدا را اطاعت کند، بر همگان واجب است از او تقلید کنند.<sup>۳</sup>

**چهار.** مرحوم کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی روایتی را که به «مقبولة عمر بن حنظله» معروف است، از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف به مضمون ذیل نقل کرده اند: ... هر کدام از شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و احکام ما را بداند، او را به حکومت برگزینند که من او را بر شما حاکم قرار دادم....<sup>۴</sup>

به راستی همین نایبان عام حضرت هستند که در طول غیبت کبرا، دین مقدس اسلام را از انحراف ننگه داشته اند، مسائل مورد نیاز را برای مسلمانان بیان کرده اند و دل های شیعیان را بر اساس باورهای درست، استوار ساخته اند. تمام موفقیت های گوناگون، با مجاهدت و تلاش خستگی ناپذیر محدثان و فقیهان شیعه از اواخر غیبت صغرا تا به امروز بوده و حیات، شادابی و پویایی تشیع را تضمین کرده است. یکی از دانشوران معاصر، درباره چگونگی نیابت عام و بروز اندیشه ولایت فقیه چنین نوشته است:

شیعیان، تازمانی که امیدی به تشکیل حکومت نداشتند، به طور ارتکازی و با الهام گرفتن از امثال روایات عمر بن حنظله و ابو خدیجه توده ها، حکام و سلاطین شیعه برای مشروع جلوه دادن حکومتشان کوشیدند موافقت فقهای بزرگ را به دست آورند ... ولی ظاهراً در هیچ عصری، هیچ سلطانی حاضر به تحویل دادن قدرت به فقیه واجد شرایط نبوده؛ چنان که هیچ فقیهی هم امیدی به دست یافتن به چنین قدرتی نداشته است. در واقع، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که عملاً ولایت فقیه به معنای واقعی کلمه تحقق یافت و نیاز به بررسی های دقیق درباره مبانی و فروع آن آشکار گشت.<sup>۵</sup>

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸، ج ۲، ص ۴۵۵.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۴۱.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰.

۵. «اختیارات ولی فقیه در خارج از مرزها» فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۱.

## هشدار امام خمینی رحمة الله علیه

دین راستین با سیاست صحیح با هم پیوندی ناگسستنی دارند و مکمل و هم افزای یکدیگرند؛ بشنوید از زبان بنیان گزار انقلاب اسلامی ایران با اسکن و یا کلیک روی کد روبرو.







جهت مشاهده منابع این مقاله کد روبرو را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.



# ملاقات با حضرت مهدی

عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى  
فَرَجًا شَرِيفًا

«لَا يَرَوْنَهُ؛ او را نمی بینند.»<sup>۲</sup>

«يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛ مردم را می بیند و مردم او را نمی بینند.»<sup>۳</sup>

«لَا يَرَى جِسْمَهُ؛ جسم او دیده نمی شود.»<sup>۴</sup>

«أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى؛ مردمان را می بینم و تو دیده نمی شوی.»<sup>۵</sup>

چنین روایاتی، باعث شده است ابن ابی زینب نعمانی در جایگاه نخستین کسی که به طور شایسته روایات مربوط به حضرت مهدی عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى را گردآوری و بررسی کرده - در فصلی از کتاب خود، به روشنی مشاهده حضرت را در عصر غیبت جایز ندانسته و تحقیق در این زمینه را ممنوع و شیعیان را در ندیدن حضرت، معذور بداند. وی به این نکته مهم، این گونه اشاره کرده است:

«... برای شیعیان، جست و جوی امام و کشف صاحب غیبت و در پی نام و محل سکونت و محل غیبت او بودن یا اشاره به ذکر او کردن، ممنوع است؛ چه رسد بر آن که بخواهند آشکارا او را ببینند.»<sup>۶</sup>

با وجود آن که این دیدگاه، از روایات پیشین قابل استفاده است، و

از آن جا که در روایات، پنهان زیستی آن امام بزرگوار، رازی از رازهای خداوند دانسته شده و درباره چگونگی غیبت، دیدگاه های متفاوتی ذکر شده، درباره ملاقات با آن حضرت در عصر غیبت، نگاه های مختلفی ارائه شده است. دانشوران شیعه، عمر آن حضرت را به چهار دوره متفاوت تقسیم کرده اند.

## دوران زندگی با پدر خود؛ دوران غیبت صغری؛ دوران غیبت کبری؛ دوران ظهور.

از آن جا که دوره نخست و دوم و نیز دوره چهارم چندان محل مناقشه نیست، در این مجال، فقط به دوره سوم می پردازیم. به دلیل وجود روایات و حکایات متعارض، در این بحث، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد:

### یک. عدم امکان ملاقات به طور مطلق

این دیدگاه، به طور اساسی از روایاتی قابل استفاده است که از ناپیدایی آن حضرت در دوران غیبت سخن به میان آورده؛ مانند:

«تُرَى وَلَا تُرَى؛ می بیند و دیده نمی شود.»<sup>۱</sup>

نیز به روایاتی که امام را بسان خورشید پس ابر معرفی کرده، نزدیک تر است، کسی به روشنی قائل به آن نشده و ملاقات را ممتنع ندانسته است؛ به دلیل آن که:

یک. برخی روایات، امکان ملاقات را ممتنع ندانسته، دیدن بدون شناخت را ممکن دانسته اند.

دو. شکی نیست در دوران غیبت صغرا که بخشی از دوران غیبت آن حضرت است، برخی شیعیان - به ویژه نایبان خاص - آن حضرت را ملاقات کرده اند؛ بنابراین شکی نیست که روایت های یاد شده، تخصیص خورده و ملاقات با آن حضرت امکان دارد.

### دو. امکان ملاقات بدون شناخت

در این دیدگاه امکان ملاقات، مورد پذیرش است؛ ولی وقوع ملاقات همراه شناخت آن حضرت را، غیر قابل پذیرش و آن را با فلسفه غیبت در تعارض می داند. در این دیدگاه، به طور عمده به روایاتی استناد می شود که در آن، سخن از دیده شدن حضرت به میان آمده؛ اما تصریح شده که در آن دیدار، هرگز شناختی از حضرت صورت نمی گیرد؛ بنابراین امکان دیدار هست؛ اما فرد، آن حضرت را نخواهد شناخت. مرحوم شیخ صدوق با ذکر سند از سدیر نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

در قائم، سنتی از یوسف است... چرا این مردم منکرند که خدای تعالی با حجت خود همان کند که با یوسف کرد؟ بین ایشان گردش کند و در بازارهای آن ها راه رود و بر بساط آن ها پا نهد و آن ها او را نشانند، تا آن گاه که خدای تعالی به او اذن دهد که خود را به آن ها معرفی کند؛ همان گونه که به یوسف اذن داد...<sup>۷</sup>

سخن دیگر در تأیید این دیدگاه از نایب خاص حضرت محمد بن عثمان نقل شده است که می گوید:

به خدا سوگند! همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می شود؛ مردم را می بیند و آن ها را می شناسد و مردم، او را می بینند؛ ولی نمی شناسند.<sup>۸</sup>

از این روایات، برداشت می شود که نه فقط هنگام ملاقات که پس از آن هم، حضرت شناخته نمی شود. منطقی است گفته شود کسی که هنگام دیدار، آن حضرت را شناخته، دلیلی وجود ندارد پس از آن بگوید آن کسی را که دیده، به طور حتم حضرت بوده است. این نکته، قابل تأمل است.

حجم روایات این دیدگاه، بسیار کمتر از دسته نخست است؛ به هر حال می توان دیدگاه یاد شده را از آن به دست آورد. جمع بین دو دیدگاه یاد شده به این صورت است که آن حضرت، از نگاه عموم مردم پنهان است و اگر اراده کند کسی آن حضرت را ببیند، او را نخواهد شناخت.

### سه. وقوع ملاقات همراه شناخت و عدم پذیرش ادعا

در این دیدگاه، نه فقط امکان و وقوع ملاقات مورد پذیرش است، بلکه ملاقات همراه با شناخت آن حضرت نیز پذیرفته شده است؛ اما آنچه مورد انکار است این که ملاقات کننده، حق ندارد

مشاهده خود را برای دیگران نقل نماید؛ به بیان دیگر، ادعای ملاقات نماید. این دیدگاه، به طور عمده از توقیعی با این مضمون برداشت شده. در این توقیع که شش روز پیش از مرگ واپسین سفیر خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ناحیه آن حضرت صادر شده،<sup>۹</sup> چنین آمده است:

به زودی از شیعیان من، کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده بکنند. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، او دروغگوی افترازننده است.<sup>۱۰</sup> این جا مدعی، اعم از این است که به ادعای خویش اطمینان داشته باشد یا به دروغ، ادعایی را مطرح کند یا بپندارد حق است. البته برخی بزرگان، اشکالاتی به توقیع وارد ساخته<sup>۱۱</sup>، که در خصوص آن طور می توان نوشت:

۱. توقیع مرسل نیست؛ چرا که شیخ صدوق در کمال الدین آن را با سند ذکر کرده است. افزون بر آن، شیخ طوسی این حدیث را از ابن بابویه نقل می کند و می گوید: «اخبارنا جماعه»؛ پس توقیع از یک طریق نیست.

۲. توقیع ضعیف نیز نیست؛ چرا که همه راویان آن، ثقة هستند.

۳. این که گفته شده: «راوی آن، شیخ طوسی، به توقیع عمل نکرده است»، درست نیست؛ چرا که آنچه شیخ طوسی نقل کرده، به دوران غیبت صغرا مربوط می شود و توقیع، نفی ادعای دیدن در دوران غیبت کبرا را مورد نظر دارد و مدعی دیدار در این زمان را باید تکذیب کرد.

۴. این که گفته اند: «از توقیع اعراض شده» درست نیست؛ زیرا عالمان بزرگوار که پس از شیخ صدوق، به نقل توقیع پرداخته اند، به آن، باور داشته و در سند و دلالت آن، تردیدی نکرده اند.

ممکن است گفته شود منظور توقیع، مشاهده همراه با ادعای سفارت یا وکالت از جانب حضرت و رساندن پیام به آن حضرت و گرفتن پاسخ از ایشان است. این احتمال، خلاف ظاهر عبارت حضرت در توقیع شریف است.

این جلازم است به برخی سخنان بزرگان اشاره کنیم که در آن، ضمن پذیرش امکان ملاقات، گفته اند در صورت ملاقات، فرد ملاقات کننده پرده از راز دیدار خود بر نخواهد داشت و این، همان تکذیب ادعای ملاقات است:

\* سید مرتضی، بدون آن که قاطعانه ملاقات با حضرت را بپذیرد، عدم امکان ملاقات را غیر قطعی دانسته، می نویسد: ما قطع نداریم دست کسی به امام نمی رسد و بشر نمی تواند او را ملاقات کند. این، امری غیر معلوم است که راهی بر قطع به آن نیست.<sup>۱۲</sup> آنگاه می نویسد: ... همانا ممتنع نیست که امام برای برخی دوستانش آشکار شود؛ از افرادی که از سوی آن ها ترسی وجود ندارد. پس به درستی که این، از اموری است که قطع بر امتناع و ارتفاع آن ممکن نیست. و هر یک از شیعیان حال خودش را می داند و راهی نیست برای آگاهی به حال دیگران.<sup>۱۳</sup>



## روزهای بزرگ تاریخی، هنگام پیدایش رحمت‌ها یا بلاهای ویژه

# ایام الله

ایام جمع یوم، به معنای روز است و برای بزرگداشت حوادثی که در روزهایی خاص رخ داده - اعم از نعمت‌ها و بلاهای الهی - ایام ظهور آن‌ها به خدا نسبت داده می‌شود.

این واژه ترکیبی فقط دو بار در قرآن کریم صراحت آمده است:

**یک.** خداوند، پس از آنکه یکی از وظایف حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام را خارج کردن قوم خود از تاریکی به روشنائی می‌شناساند به یکی دیگر از مأموریت‌های مهم آن حضرت، یعنی یادآوری روزهای خدا (ایام الله) به قوم خود اشاره کرده است: در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرت‌هاست. (ابراهیم: ۵)

**دو.** پروردگار، در خطاب به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به روش برخورد مؤمنان با کافران اشاره کرده و از آن‌ها می‌خواهد از کسانی که روزهای سخت و ناگوار خدا (ایام الله) را باور ندارند، درگذرند، تا خداوند خود سزای کردار بد ایشان را بدهد: به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند درگذرند، تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می‌شده‌اند، به مجازات رساند. (جاثیه: ۱۴)

خداوند در آیه نخست، به یکی از مأموریت‌های بزرگ حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام اشاره کرده، می‌فرماید: تو موظفی ایام الهی و روزهای خدا را به یاد قوم خود بیاوری. به طور مسلم، همه روزها، ایام خداوند است؛ همانگونه که همه مکان‌ها متعلق به اوست. اگر مکان خاصی به نام **بیت الله** (خانه خدا) نامیده شد، دلیل بر ویژگی آن است. همچنین عنوان «ایام الله» اشاره به روزهای مخصوصی است که امتیاز و درخشش فوق العاده‌ای دارد. به همین سبب مفسران، در تفسیر آن، احتمالاتی داده‌اند: برخی گفته‌اند: اشاره به روزهای پیروزی پیامبران پیشین و امت‌های راستین آنان و روزهایی است که گونه‌های نعمت‌های الهی بر اثر شایستگی‌ها شامل حال آن‌ها است. عده‌ای گفته‌اند: اشاره به روزهایی است که خداوند اقوام سرکش را به عذاب می‌کشد؛ گروهی نیز به هر دو قسمت اشاره کرده‌اند؛ اما اصولاً نمی‌توان این تعبیر گویا و رسا را محدود ساخت. «**ایام الله**»، **تمام روزهایی است که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر است. هر روز که یکی از فرمان‌های خدا در آن چنان درخشیده که بقیه امور را تحت الشعاع خود قرار داده، از ایام الله است.**

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: ایام الله سه روز است؛ روزی که حضرت قائم قیام خواهد کرد و روز بازگشت برخی از مردگان و روز رستاخیز.

(الخصال، ص ۱۰۸، ح ۷۵)

\* روشن است که این گونه احادیث دلیل بر انحصار نیست؛ بلکه بیان قسمتی از مصداق‌های روشن است.

\* شیخ طوسی نیز آن مضمون را این‌گونه بیان کرده است: ما با جزم و یقین نمی‌دانیم آن حضرت از دیده همه دوستان‌انش نهان و غایب است؛ بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان ظاهر شود و هر فرد، فقط از حالات خود خبر دارد. این بیان، دیدن آن حضرت را ممکن می‌داند؛ اما درباره ادعای وقوع ملاقات، به نظر می‌رسد، آن را منتفی می‌داند. سید بن طاووس نیز خطاب به فرزند خود، در این باره نوشته: اگر امام اکنون از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست گروهی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار او استفاده کنند و از دیگران پپوشانند... سخن سید بن طاووس مؤید دیدگاه تکذیب ادعای مشاهده است؛ چه این که پوشاندن تشرف هنگامی که در مقیاس کلی باشد، به معنای رد تمام ادعایی است که در دست است. \* محقق اربلی نیز پس از نقل کلامی از مرحوم طبرسی که گفته است: «ما قطع نداریم کسی در دوران غیبت به امام نمی‌رسد»، اظهار شگفتی کرده، نوشته است: «مرحوم طبرسی چرا چنین گفته است؟ در حالی که باید قطع به این داشته باشد؛ چرا که با فاصله اندکی پیش از این، او توفیق نفی ادعای ملاقات را ذکر کرده بود». محقق اربلی آن‌گاه دیدگاه خود را در توجیه سخن مرحوم طبرسی، این‌گونه بیان کرده است: به طور حتم، او به این نکته نظر داشته است که افرادی که احیاناً به دیدار نایل می‌شوند، هرگز آن دیدار را افشا نخواهند کرد و افرادی که به چنین ادعایی دست می‌زنند، دروغ‌گویند.

### چهار. وقوع ملاقات و پذیرش ادعا

گروهی از دانشمندان شیعه بر این باورند که در غیبت کبرا، ملاقات‌های فراوانی با آن حضرت صورت گرفته. این دیدگاه، بین متأخران شهرت بیشتری یافته است. این گروه بر قبول امکان، وقوع و ادعای ملاقات با حضرت در غیبت کبرا به حکایت‌هایی که در این باره در دست است، استناد کرده‌اند. ایشان بر این باورند که در کتاب‌های بسیاری، داستان‌های گوناگونی نقل شده که سخن از ملاقات با حضرت به میان آورده است و هرگز انبوه این ادعاها را نمی‌توان انکار کرد. مهم‌ترین دلیل ایشان، این است که چگونه ممکن است این همه ادعای ملاقات دروغ باشد؟ باید توجه داشت ملاقات حضرت فضیلت بزرگی است؛ اما آنچه مهم‌تر است، شناخت و معرفت آن بزرگوار و عمل به دستورهایی است که رضایت خداوند و آن حضرت را در پی دارد. فراموش نشود کم نبودند افرادی که همواره در زمان پیامبر و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام با آن بزرگواران دیدار می‌کردند؛ اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات‌ها نمی‌بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می‌شدند.

# بیعت حضرت مهدی

«بیعت» واژه عربی از ریشه (ب ی ع) به معنای خرید و فروش و ایجاب و پذیرش بیع است.

شاید اطلاق کلمه «بیعت» به این معنا، از این جهت است که هر یک از دو طرف، تعهدی همچون دو معامله‌گر در برابر دیگری می‌کنند؛ بیعت کننده حاضر می‌شود تا پای جان و مال و فرزند در راه اطاعت او بایستد و بیعت پذیر نیز حمایت و دفاع او را بر عهده می‌گیرد.

بیعت، سنتی بود که پیش از اسلام، میان عرب رواج داشت؛ به همین دلیل در آغاز اسلام که طایفه اوس و خزرج موقع حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام ﷺ در عقبه بیعت کردند، برخورد آن‌ها با مسأله بیعت، برخورد با یک امر آشنا بود. پس از آن نیز پیغمبر اسلام ﷺ در فرصت‌های گوناگون، با مسلمانان تجدید بیعت کرد.

پیامبر اسلام ﷺ بیعت زنان را نیز می‌پذیرفت؛ اما نه از راه دست دادن؛ بلکه دستور می‌داد ظرف بزرگی از آب حاضر کنند. سپس آن حضرت دست خود را در یک طرف ظرف فرو می‌برد و زنان بیعت کننده در طرف دیگر.

یکی از کارهای نخست حضرت مهدی ﷺ هنگام ظهور، بیعت با یاران خود است. این بیعت، در مسجد الحرام و بین رکن و مقام صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup> در روایاتی نقل شده است که نخستین بیعت کننده با حضرت، جبرئیل امین است. امام باقر علیهما السلام فرمود:

... پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است.

سپس آن ۳۱۳ نفر [بیعت می‌کنند]...<sup>۲</sup>

پس از این بیعت ویژه، حضرت مهدی ﷺ با دیگر یاران خود بیعت خواهد کرد.

افزون بر روایات شیعه در پاره‌ای از روایات اهل سنت نیز بر بیعت یاران حضرت با ایشان تأکید شده است.

صنعانی (م ۲۱۱ق) یکی از بزرگان اهل سنت به این بیعت در روایاتی اشاره کرده است.<sup>۳</sup>

۱. کتاب الغیبة، ص ۴۷۶، ح ۵۰۲.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۳.

۳. المصنّف، ج ۱۱، باب المهدی، ح ۲۰۷۶۹.



معامله با امام زمان

معامله با امام زمان ﷺ قطعا یک تجارت بی خسارت است برای شنیدن این پند از زبان استاد انصاریان کد بالا را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.

جمعه، روز پایانی هفته، مورد احترام مسلمانان و یکی از اعیاد مهم آنان است. از مهم‌ترین اعمال مؤمنان در روز جمعه، توجه به حضرت مهدی ﷺ و انتظار فرج آن بزرگوار است. در این روز، زیارت آن حضرت و دعا برای تعجیل فرج او مستحب است؛ زیرا طبق برخی از روایات و زیارات، امید ظهور آن حضرت در روز جمعه بیش از سایر روزهاست.<sup>۱</sup>

امام صادق علیهما السلام در این باره فرموده است:

... و قائم ما اهل بیت در روز جمعه خروج می‌کند.<sup>۲</sup>

همچنین در روایاتی آمده است:

روزی که پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی علیهما السلام را در غدیر خم نصب فرمود، جمعه بود و روز قیام قائم ﷺ جمعه خواهد بود و روز برپایی رستاخیز جمعه خواهد بود.<sup>۳</sup>

البته بین این سه رخداد عظیم، وجوه مشترک فراوانی وجود دارد. از ویژگی‌های دیگر این روز با عظمت، آن است که حضرت مهدی ﷺ در آن روز شریف پای به عرصه گیتی نهاد.<sup>۴</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۱۵.

۲. الخصال، ص ۳۹۴، ح ۱۰۱.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۲، م ۱۲۴۱.

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۱۲، ۱۳.

## روز ظهور مهدی

امام زمان ﷺ خواهد آمد ...



به خدا، آی شیعه‌ها...  
آقامون میاد...

روضه مرحوم کافى

در فراق امام زمان ﷺ

جهت دریافت فایل ویدئو استوری کد روبرو را اسکن و یا روی آن کلیک کنید



باغچه شتر ظهورات



## مهم‌ترین اهداف قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

# حکومت جهانی



یکی از ویژگی‌های دولت مهدوی، جهانی بودن آن است. حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد و آبادی‌ای در زمین نمی‌ماند، مگر این‌که گلبانگ محمدی از آن برمی‌خیزد و سراسر گیتی از عدل و داد آکنده می‌شود. در آن دوران به دست آن حضرت، آرمان والایی تشکیل جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می‌پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران، امانان، مصلحان و انسان دوستان برآورده می‌شود. در دوران رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با ایجاد مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماعات، نژادها و منطقه‌ها، یکی از عوامل اصلی تضاد و جنگ و ستم از بین می‌رود. <sup>۱</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

پیشوایان پس از من دوازده نفرند؛ نخستین آنان تو هستی ای علی و واپسین آنان قائم است؛ همو که خداوند بر دستانش مشارق و مغارب زمین را فتح خواهد کرد.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

سپس خدای عزوجل او را ظاهر سازد و مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را به دست او بگشاید و...<sup>۳</sup>

در برخی آیات قرآن، به این حاکمیت اشاره شده است. از جمله آیه‌هایی که به حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده، آیه ارسال (توبه/۳۳) است. در این آیه می‌خوانیم:

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

آیه یادشده، با همین الفاظ در سوره «صف»، آمده و با تفاوت مختصری در «سوره فتح»، تکرار شده است و از رویدادی مهم خبر می‌دهد. این اهمیت، موجب تکرار آن شده است و از جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین بر روی زمین خبر می‌دهد.

شکی نیست در حال حاضر، این موضوع تحقق نیافته است؛ ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است.

شیخ صدوق، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه نقل می‌کند:

به خدا سوگند! هنوز تاویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آن که قائم خروج کند. وقتی او ظهور کرد، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی‌ماند؛ مگر این که از خروج آن حضرت ناراحت می‌شود. حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود، آن سنگ می‌گوید:

ای مؤمن! در دل من کافری پنهان شده است، مرا بشکن و او را بیرون بیاور و به قتل برسان.<sup>۴</sup>

افزون بر این، شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سران کشورها مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل گوناگون عرب و... نامه نوشت همگان را به پذیرفتن این دین مقدس دعوت کرد و از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام، برحذر داشت.

اگر دین اسلام جهانی نبود، چنین دعوت عمومی انجام نمی‌گرفت و دیگر اقوام و امتهای هم برای عدم پذیرش، عذری می‌داشتند.

## مبانی و مقدماتی که ناگزیر به آرمان حکومت واحد جهانی شیعی می انجامد، از این قرار است:

### یک. اعتقاد به برتری اسلام و جهانی بودن آن

به اجماع تمام مسلمانان، اسلام دینی است که در واپسین حلقه از سلسله طولانی نبوت ظاهر شده و از هر جهت کامل ترین دین ها است و تا روز قیامت نیز بشریت را از هر جهت کفایت می کند. دین اسلام، روزی تمام انسان ها را پیرو و مطیع خود خواهد کرد و بدین ترتیب جهان در تسخیر آموزه های بلند و آسمانی اسلام در خواهد آمد. از آیاتی چون:

«انَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ در حقیقت، دین نزد خداوند همان اسلام است و «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ»؛ و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود و... به دست می آید که مسلمانان، به حقانیت، جامعیت، خاتمیت، جهان شمولی و سرانجام جهان گستری و پیروزی و غلبه نهایی آن دست خواهند یافت.

### دو. اعتقاد به مهدویت

چیرگی اسلام بر تمام ادیان و مکاتب و استیلا بر جباران و فرمانروایان غیر الهی و تأسیس حکومت جهانی، لازمه اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی دادگستر است.

از نگاه شیعیان، تاریخ اسلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حذف امام علی و فرزندان معصوم او علیهم السلام، در حوزه سیاست و حکومت به انحراف گرایید و پیامدهای منفی متعددی نیز در پی داشت که یکی از آن ها محرومیت جامعه از رهبری معنوی و آسمانی است؛ چرا که امام علی علیه السلام و پس از او بقیه امامان، پیشوایان دینی-سیاسی بر حق و دارای حق خلافت و امامت انحصاری اند. دیگران-هر کس باشد-غاصب حق معصومند و لذا جائز و باطل می باشند. این انحراف تاکنون ادامه پیدا کرده است.

از آن جا که شیعیان دوازده امامی در عصر امامان، هرگز به قدرت و تأسیس دولت دست نیافتند، منتظرند که واپسین بازمانده از امامان علیهم السلام که از سال ۳۲۹ق غیبت کبرا برای او آغاز شده است، ظهور کند و تاریخ اسلام و در نهایت تاریخ انسان را به مسیر طبیعی الهی اش بازگرداند. در آن عصر، اسلام، عزیز، مسلط و همگانی می شود و مسلمانان، قدرتمند و بر جهان چیره می گردند. طبق این تفسیر، تشکیل حکومت واحد جهانی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

### ویژگی ها و اختیارات مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف

در منابع روایی اسلامی (به ویژه شیعی)، از ویژگی ها، اختیارات و عملکردهایی یاد شده که جز با تشکیل حکومت واحد جهانی محقق نخواهند شد؛ از جمله گفته شده: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ستم و جور را برای همیشه برمی اندازد و عدالت و دین حق را در

سطح جهان برای همیشه مستقر می کند.  
امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم ما، با در انداختن هراس در دل ستمگران یاری می شود، با پشتیبانی و حمایت از سوی خداوند تأیید می گردد. زمین برایش خاضع و تسلیم می شود، گنج ها برایش آشکار و نمایان می شود. حکومت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. خداوند به وسیله او دینش را بر همه دین ها چیرگی می بخشد؛ هر چند مشرکان را ناخوشایند باشد. [در عصر ظهور] در زمین خرابی و ویرانی ای نمی ماند، مگر آن که آباد می شود. عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز گزارد.<sup>۸</sup>

### ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

**یک.** این حکومت رهبری دارد که مشروعیت خود را از خداوند می گیرد و از هر گونه خطا و عصیان مبرا است.  
یاران او نیز انسان های برگزیده و اخلاقی هستند که این خود بر عظمت این حکومت می افزایند.

**دو.** در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قانون گذار خداوند است، از این رو تمام نیازهای مادی و معنوی انسان ها مورد توجه واقع شده و از هر گونه خطا دور خواهد بود.

**سه.** محور تمام قوانین در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امور دینی و اخلاقی است؛ در حالی که تمام نیازهای مادی و معنوی بشر در تمام قوانین مورد توجه واقع شده است.

**چهار.** دانش، در دولت مهدوی در کل جامعه بشری گسترش می یابد و هرگز در انحصار عده ای خاص نخواهد بود؛ البته از این دانش در راه رشد و تعالی جامعه بشری استفاده خواهد شد، نه در راه ستم و تعدی به دیگران.

**پنج.** حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر عالی ترین اندیشه های عاقلانه مبتنی است؛ چرا که در آن دولت مبارک است که عقول بشری به کامل ترین وجه امکان رشد خواهد کرد.

**شش.** حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبتنی بر بهره مندی عاقلانه، عالمانه و عابدانه از همه منابع موجود و ظرفیت های ممکن در کره زمین است و این بدان معناست که مردم در عین بهره مندی از تمام مواهب الهی هرگز گرد اتراف و اسراف نمی گردند. افزون بر آن، با وجود فراوانی نعمت، حالت استغنائی در روح انسان ها بوجود می آید که باعث می شود با وجود در اختیار داشتن موهبت های فراوان هرگز دست به طغیان و عصیان نزنند.

در جامعه مهدوی، به سبب وجود تمام شرایط ممکن، راه رشد و تعالی به سوی پروردگار بر همگان باز خواهد بود و در عین اختیار داشتن، همگان بر دینی توحیدی و باوری الهی خواهند بود.



اگرچه برخی در سند و یا دلالت روایات از این دست خدشه‌هایی وارد کرده‌اند، اما آنچه مسلم است این است که آن حضرت، هرگز با دشمنان خداوند سر سازش نخواهد داشت و با آنان به شدت برخورد خواهد کرد.

با توجه به این که تا زمان ظهور، بسیاری از حقایق تابناک اسلام دچار پیرایه و خرافات شده است، وقتی آن حضرت حقیقت اسلام را اظهار می‌کند، عده فراوانی گمان می‌کنند آن حضرت دین جدیدی آورده است. این در حالی است که آن حضرت، فقط دین راستین را اقامه می‌کند. بنابراین اگر روش آن حضرت با امیر مؤمنان علیه السلام تفاوت کند، تنها به سبب شرایطی است که در آن حکومت جهانی فراهم می‌آید و این شرایط، به دلایلی برای دیگران فراهم نشده بود.

۱. الغیبه، ص ۳۳، ح ۱۷.
۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۱، ح ۴؛ ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۵.
۳. الغیبه، ص ۳۳۴، ح ۱۴.
۴. الکافی، ج ۵، ص ۳۳، ح ۴.
۵. همان، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲.

### مسابقه میان نیمی شعبان

الف. بنابر فرمایش امام صادق علیه السلام آیهی «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ» در باره‌ی چه کسی نازل شده است؟

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله
  ۲. امیرالمؤمنین علیه السلام
  ۳. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
  ۴. مؤمنان مضطر
- ب. «مضطر» در لغت به چه معناست؟ کسی که ...
۱. امید به برآورده شدن مشکل و حاجتش را دارد
  ۲. در سختی‌های زندگی روی به هر کسی می‌آورد
  ۳. در زندگی دچار ضرر مالی شدید و آسیب بدنی زیادی شده است
  ۴. بیماری، فقر و یا سختی روزگار او را ناگزیر به تعرض به درگاه خدا کرده
- ج. در نگاه ابوسهل نوبختی، مهمترین ویژگی حسین بن روح به عنوان نایب خاص امام زمان علیه السلام، چه بود؟
۱. تقوا
  ۲. رازداری
  ۳. امانتداری
  ۴. اجرای دستورات امام
- د. بنابر روایت امام باقر علیه السلام کدام پیامبر خدا، در نماز، به امام زمان علیه السلام اقتدای کند؟
۱. حضرت موسی علیه السلام
  ۲. حضرت خضر علیه السلام
  ۳. حضرت عیسی علیه السلام
  ۴. حضرت زکریا علیه السلام
- ه. امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور با یاران خود در ..... بیعت می‌کنند.
۱. مسجد الحرام - مقام ابراهیم
  ۲. مسجد الحرام - بین رکن و مقام
  ۳. کوفه - مسجد سهله
  ۴. مسجد النبی - قبرستان بقیع

پاسخ صحیح را به صورت یک عدد پنج رقمی به سامانه ..... پیامک نمایید. مهلت ارسال تا .....

بی‌گمان سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور دقیق همان سیره حکومتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام است. البته نباید از نگاه دور داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام به دلیل محدودیت‌ها و موانع تحمیل شده فراوان، نتوانستند آنچه را در نظر داشتند، پیاده کنند.

از سخنان نورانی معصومان علیهم السلام برداشت می‌شود تمام موانع، از سر راه امام مهدی علیه السلام برداشته می‌شود و آن حضرت، سیره معصومان علیهم السلام را تحقق خواهد بخشید. در این باره دو دسته روایت وجود دارد:

دسته‌ای که می‌فرماید سیره آن حضرت، همان سیره و روش معصومان است. این روایات، ناظر بر روش ایشان در امور اجرایی است. امام باقر علیه السلام فرمود:

... آنچه [از بدعت و پیرایه] پیش از او بوده است، از اساس ویران خواهد کرد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کرد، و او اسلام را از نو آغاز خواهد فرمود.<sup>۱</sup>  
امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

همانا قائم ما اهل بیت، آن گاه که قیام فرماید، لباس علی را بر تن خواهد کرد و بر سیره او عمل خواهد نمود.<sup>۲</sup>  
دسته دوم، روایات فراوانی است که حاکی از تفاوت سیره حضرت با سیره پیامبر اکرم و امامان علیهم السلام است.

زراره از امام باقر علیه السلام پرسید: «آیا او همچون محمد صلی الله علیه و آله رفتار می‌کند؟» حضرت فرمود: هرگز! هرگز! ای زراره! رفتار او را پیش نمی‌گیرد» عرض کردم: «فدایت شوم! برای چه؟» فرمود:

همانا رسول خذل صلی الله علیه و آله در امت خود، چنان رفتار می‌کرد که توأم با بخشش بود و دل‌های مردم را به خود جذب می‌کرد؛ ولی رفتار قائم [به سبب ستم فراوانی که جهان را فرا گرفته] با خشونت و کشتار است؛ زیرا در کتابی که همراه دارد، مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد. وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد!<sup>۳</sup>

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «آیا سیره قائم، بر خلاف سیره و روش امام علی است؟»

حضرت فرمود: «بلی؛ به سبب آن که حضرت علی سیره‌اش از روی منت و گذشت بود؛ چون می‌دانست شیعیانش زود مغلوب خواهند شد؛ اما قائم چون قیام کند، با شمشیر و اسیر گرفتن است؛ چون می‌داند شیعیانش هرگز مغلوب نخواهند شد.»<sup>۴</sup>